



## Urban Living Lab as a Way for Cultural Transition to Urban Contemporization. An Approach to Sustainability; Case study: Jamaran Neighborhood

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Analytic Study

#### Authors

Maedeh Yazdani Rostam  
Mojtaba Ansari\*  
Mohammadreza Pourjafar

#### How to cite this article

Yazdani Rostam M, Ansari M, Pourjafar M. Urban Living Lab as a Way for Cultural Transition to Urban Contemporization. An Approach to Sustainability; Case study: Jamaran Neighborhood. Naqshejahan-Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2022 Mar 26;12(1):20-40.

<https://doi.net/dor/20.1001.1.23224.991.1401.12.1.1.1>

1. Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

3. Professor, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

#### \*Correspondence

Address: Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email: ansari\_m@modares.ac.ir

#### Article History

Received: 28 Sep 2021

Accepted: 5 Jan 2022

ePublished: 26 Mar 2022

### ABSTRACT

**Aims:** The challenges toward transition to sustainability require profound structural changes made in socio-technical configurations. Urban living laboratory (ULL) is identified as a platform for utilizing the potential of citizens' lived experience and realizing their participation. Regarding the wholeness principles in landscape architecture, the present study is to show the implementation of ULL using the potentials of ritual landscape as a daily landscape, will facilitate the transition to cultural sustainability and thus urban green contemporization.

**Materials & Methods:** With an overview of theoretical foundations based on highperformance architecture theory, documents relating to the Jamaran neighborhood were studied. In-depth interviews were conducted with the influential stakeholders of the neighborhood to obtain an adequate awareness of the area. Then, by applying the categories derived from coding the interview sessions and analyzing them by the grounded theory method, the strategies for implementing a ULL in the context of the Jamaran neighborhood were investigated.

**Findings:** The findings in the Jamaran neighborhood identified categories that during the theorizing process, confirmed the role of ULL as structures in the daily living context of residents in using the potential of ritual landscape to facilitate the transition to sustainable development and thus urban contemporization.

**Conclusion:** the results indicate that the implementation of a ULL in the traditional Iranian neighborhoods requires full recognition of the decision-making power of locals in processes related to the ritual landscape as a routine procedure and it facilitates the transition to sustainable development. Also, the ULL's effects on the recognition of indigenous and their tacit knowledge are to be considered.

**Keywords:** Green Contemporization, Contemporary Architecture, Urban Living Laboratory (ULL), Sustainability, Ritual Landscape, Wholeness Principles, Landscape Architecture

### CITATION LINKS

[1] Geometric Data Mining and Shape Grammar ... [2] Quranic Interpretation of Holy Light Idea in Islamic ... [3] Recognition of Urbanscape Identity Components ... [4] The Role of Dynamic Equilibrium in the Continuous ... [5] Persian Garden's symbolism during Islamic ... [6] Endogenous versus Conventional Approach ... [7] The Significance of Natural Components ... [8] Testing the Application of "Justified Plan Graph"(JPG) in Iranian-Islamic Architecture Case Studies ... [9] Howard's and Safavid's Garden Cities' Principles ... [10] The Creation of an Architectural Work within the Creation of the Universe Regarding the Holy Quran. [11] Enhancing education for sustainable ... [12] Cultural Mapping: Intangible Values and Engaging with communities with ... [13] The Role of Cultural Heritage in Sustainable ... [14] Connecting Concepts of Cultural Landscape ... [15] Co-creation dynamics in urban living labs ... [16] Living Labs in Co-Creation and Sustainability ... [17] Impacts of urban morphology on reducing ... [18] Natural ventilation performance ... [19] A novel design-based optimization framework for enhancing the energy efficiency ... [20] Biocomputational Architecture Based on Particle ... [21] Improving the suitability of selected ... [22] Thermal comfort prediction by applying ... [23] Window geometry impact ... [24] A study on terraced apartments ... [25] Multi-objective optimization of building-integrated ... [26] Multi-objective optimisation ... [27] Impacts of urban living labs on sustainability ... [28] Regime shifts to sustainability ... [29] Urban laboratories: Experiments ... [30] Varieties of experimentalism. [31] Urban living labs: Governing urban ... [32] Urban carbon governance experiments ... [33] Urban living labs: Towards an integrated ... [34] Reconfiguring urban sustainability transitions ... [35] Urban living labs for sustainability ... [36] Developing the conceptual framework ... [37] A dynamic vertical shading optimisation to improve view ... [38] Framework of Conservation Evaluation for Dynamic Cultural ... [39] Assessing the Old Buildings Reclaimability ... [40] Prioritizing for Healthy Urban Planning ... [41] Data mining and content analysis ... [42] Designly Approach to Energy Efficiency ... [43] Generating Synthetic Space Allocation Probability ... [44] Architectural layout design through deep learning ... [45] Influence of permeability ratio on wind-driven ... [46] Empowered cities? An analysis of the structure ... [47] New axioms for reading the landscape: paying [48] A rooted sense of place in cross-cultural ... [49] The relationship between place attachment ... [50] Commentary: Gazing, performing and reading: A landscape ... [51] Uses of Heritage. [52] The Historic Urban Landscape.

## آزمایشگاه زنده شهری به مثابه روشی برای گذار فرهنگی به معاصر سازی پایدار؛ نمونه موردی: محله جماران

مائه یزدانی رستم<sup>۱</sup>، مجتبی انصاری<sup>۲</sup>، محمدرضا پورجعفر<sup>۳</sup>

- ۱- دانشجوی دکتری معماری منظر، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- ۲- دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
- ۳- استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

### چکیده

**اهداف:** تحقق تغییرات تحول آفرین برای گذار به سوی توسعه پایدار، نیازمند نهادینه شدن پیکره بندی‌های فعلی و تبیین راهکارهای جدید است. فرضیه پژوهش با اتکا به اصل مجموعیت در معماری منظر، بیان می‌دارد که پیاده سازی آزمایشگاه زنده شهری با استفاده از پتانسیل‌های منظر آیینی، تسهیل فرآیندهای گذار به سوی پایداری فرهنگی و در نتیجه معاصر سازی سبز را به دنبال خواهد داشت.

**ابزار و روش‌ها:** آزمایشگاه‌های زنده شهری به عنوان بستری برای استفاده از ظرفیت تجربه زیسته شهروندان و تحقق مشارکت، شناسایی می‌شوند. پژوهش ضمن مرور مبانی نظری پایداری فرهنگی به تبیین منظر آیینی به مثابه منظر روزمره می‌پردازد. سپس با مطالعه محله جماران، مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با ذی‌نفعان توسعه در این محله، به روش تئوری زمینه ای ترتیب می‌دهد. پس از آن با تطبیق مقوله‌های حاصل از کدگذاری گفتمان‌های مصاحبه با نتایج خوانش بستر و تحلیل آن‌ها، نظریه پردازی انجام شد.

**یافته‌ها:** داده‌های استخراجی در محله جماران، موجب شناسایی مقوله‌هایی شد که نقش آزمایشگاه‌های زنده شهری را به عنوان ساختارهایی در بستر زیست روزمره ساکنین مورد تأیید قرار دادند. الگویی که در بهره‌گیری از پتانسیل‌های منظر آیینی، به منظور تسهیل گذار به توسعه پایدار و در نتیجه معاصر سازی سبز، کارایی خود را نشان داد.

**نتیجه گیری:** پیاده سازی آزمایشگاه زنده با به رسمیت شناختن مشارکت و تصمیم سازی افراد محلی، به واسطه منظر آیینی به عنوان امری فرهنگی، موجب تسهیل فرآیندهای گذار به معاصر سازی پایدار است. همچنین، تأثیرات آزمایشگاه زنده شهری بر بازساخت ویژگی‌های بومی بستر قابل تأمل است.

**کلمات کلیدی:** معاصر سازی سبز، معماری معاصر، آزمایشگاه زنده شهری، پایداری، منظر آیینی، اصل مجموعیت، معماری منظر.

### مقدمه

«فرهنگ» مبنای اندیشه بومی ماست و توجه به فرهنگ اسلامی و ایرانی ریشه در تاریخ، هنر، معماری و شهرسازی این سرزمین دارد. [۱-۵] تحلیل ادبیات نظری و مبانی علمی موضوع نشان می‌دهد که «فرهنگ» جایگاهی کم نظیر در هندسه اندیشه اسلامی و ایرانی دارد. [۶-۱۰] عدم توجه به ارزیابی تأثیرات فرهنگی بر توسعه پایدار، از عمده‌ترین مسائلی است که در زمینه تدقیق و تعریف توسعه پایدار مورد اشاره قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که بر تدقیق الگوی شناختی توسعه پایدار با توجه به جامعه و روابط قومی و فرهنگی بین انسان و جهان (که ابزاری عالی برای دستیابی به توسعه در حالت کلی است)، تأکید می‌شود. توسعه باید متناسب با محیط پیرامون و در بستر و متن جدیدی رخ دهد که برای پارادایم فرهنگی ارزش قائل است [۱۱]؛ باین وجود، جایگاه فرهنگ و ارزش ایجادشده توسط آن در فرایند توسعه پایدار، به‌طور دقیق مشخص نشده است. از سوی دیگر منظر را به عنوان پدیده‌ای فرهنگی، متأثر از انسان و ارتباط او با محیط و به علاوه تداعی‌کننده ذهنیاتی می‌دانند که بر رابطه انسان با محیط پیرامون وی تأثیر می‌گذارد. به‌این ترتیب منظر نه تنها شامل خصوصیات در جهان طبیعی است، بلکه شامل درک و تفسیر افراد از ساختارهای فیزیکی و فرهنگی مکان نیز هست. این موضوع اهمیت و توجه را به فرهنگ روزمره مردمی که در منظر به‌عنوان یک بستر، کار و زندگی می‌کنند و بنابراین جزئی اصلی از فرایند ایجاد و خلق آن هستند، معطوف می‌دارد. درک منظر به عنوان مفهوم فرهنگی مرتبط با امر روزمره از همین موضوع نشأت گرفته و پیوندی ناگسستنی با درک این مفهوم دارد که یکی از عمیق‌ترین نیازهای انسان، احساس تعلق به حیات جمعی است. در این میان آزمایشگاه‌های زنده شهری به عنوان بسترهایی برای حضور جمعی شهروندان در فرایندهای مرتبط با عرصه‌های شهری و تحقق مشارکت ایشان شناسایی می‌شوند. استدلال معمول در این زمینه، درک وجود رابطه و پیوندی اساسی بین انسان و محیط و چگونگی کسب هویت توسط افراد در آن است؛ موضوعی که پدیده‌ای «بین فرهنگی» محسوب می‌شود.

به عنوان فضایی برای تجلیل از آیین زیست و تجربه انسانی تأکید نمود [۱۳]. در این صورت مفهوم میراث زنده مبتنی بر جامعه محلی، به عنوان منبعی برای توسعه پایدار، بنیادی را برای ارتباط پایداری فرهنگی با اقدامات مدیریتی مربوط به پایداری خلق می کند [۱۴].

جنبه متمایز گفتمان‌های مدیریتی در این صورت، همسویی فزاینده آن با مفهوم «مشارکت عمیق» است، جایی که مشارکت جامعه ذی‌نفعان با تأکید بر زیست روزمره تحت عنوان مشارکت عمیق، به مثابه حلقه مفقوده‌ای برای گذار به سمت توسعه پایدار خود را نمایان می‌سازد: طیف وسیعی از اقدامات رسمی و محاوره‌ای برای حمایت از مشارکت جامعه در حرکت به سوی توسعه پایدار شهری و بررسی پاسخ‌های جوامع به اثرات آن تحت عنوان معاصر سازی، با این استدلال که نقش محقق، تلاش برای دستیابی به دیدگاه‌های جامعه در خصوص توسعه پایدار است. «عمیق» در عبارت مشارکت عمیق به غوطه‌وری فرهنگی به عنوان روشی قوم‌نگارانه اشاره دارد و شامل ایجاد قابلیت اطمینان در بین جوامع دخیل، برای تأمین بهتر بروز تنوع فرهنگی - اجتماعی و دانش محلی در فرایندهای توسعه پایدار است، قابلیت اطمینانی که به واسطه تحقق مشارکت عمیق و بهره‌گیری از ابزارهای اجرایی آن قابل دستیابی است؛ هم برای ایجاد اعتماد در جامعه و هم برای درک مؤثر انگیزه‌های مختص به فرهنگ مورد نظر. در چنین شرایطی به منظور اطمینان از تأثیر این روند، گذراندن وقت قابل توجهی با جوامع برای گوش سپردن به نگرانی‌های آنان و منطقی‌سازی نگرانی‌هایشان پیرامون موضوع توسعه ضروری است.

می‌توان گفت که پیچیدگی چشم‌اندازهای مختلف در شهرها، همراه با تعدد نگرانی‌ها و پویایی درونی فرهنگ‌ها، موجب خلق چالش‌هایی شده که نیاز به ارتقا قابل توجه روش‌های فعلی مشارکت جامعه برای گذار به توسعه پایدار را بیش از پیش نمایان می‌سازد. بر این اساس، مفهوم مشارکت عمیق تلاش می‌کند تا مشکلات پیش رو را با استفاده از مشارکت عمومی حل کند و به دنبال قرار دادن محققان و

«پایداری فرهنگی» مبنای نگاه سبز به مفهوم معاصر سازی شهری است. توجه به این نکته که دستیابی به پایداری، مستلزم طی فرایند توسعه هماهنگ با فرهنگ و ارزش‌های کلیه افراد ذی‌مدخل است، موجب شد موضوع پایداری فرهنگی مطرح شده و به عنوان ارتباط مردم با محیط پیرامونشان در بستر زندگی روزمره تعریف شود. این مفهوم از طریق روش‌هایی که ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی را به جامعه می‌افزاید، مردم را به عنوان بخشی از فرایند برنامه‌ریزی و توسعه پایدار آن در نظر می‌گیرد [۱۲]. اصل پایداری فرهنگی به دنبال پیاده‌سازی این موضوع است که نسل حاضر فقط می‌تواند تا نقطه‌ای از دارایی‌های فرهنگی بهره برده و آن‌ها را تغییر و تطبیق دهد که به نسل‌های آینده در توانایی فهم و زیست ارزش‌ها و معانی چندگانه خود آسیب نرساند. مفهوم پایداری فرهنگی ابتدا در دهه ۹۰ میلادی به عنوان زیرمجموعه پایداری اجتماعی به موضوع پایداری افزوده شد، لیکن در حقیقت رکنی جداگانه است. این مفهوم به عنوان جایگزینی مفهومی برای پایداری اقتصادی - اکولوژیکی مورد مذاقه قرار می‌گیرد و لازمه تحقق خود را لزوم مشارکت کلیه ذی‌نفعان در فرایند توسعه، با تأکید بر جامعه محلی می‌داند. در این صورت، مشارکت‌کنندگان معاصر ضمن تطبیق و تغییر مفهوم پایداری، در حال تجربه مفهوم پایداری فرهنگی که در واقع پایداری اهمیت و معانی است، می‌باشند؛ این گونه است که پایداری فرهنگی به طور مستقیم در اهداف توسعه پایدار قابل انعکاس است.

از آنجا که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی در فرایند توسعه پایدار جدا از هم نبوده و «به هم پیوسته‌اند»، از این رو می‌توان فرهنگ و به دنبال آن پایداری فرهنگی را به عنوان «چسب» میان ابعاد مختلف آن دانست. در این حالت، تجربه زیستی، فرهنگ روزمره و متداول و شیوه‌های زندگی مردم محلی به بستر و زیرساختی تبدیل می‌شود که به واسطه آن می‌توان به سمت توسعه پایدار و تحقق معاصر سازی حرکت کرد. با اتخاذ این رویکرد، باید شهرها را متشکل از لایه‌هایی دانسته و بر محیط تاریخی

برنامه‌ریزی مشارکتی، بیان می‌کند که رویکردهای مشارکتی به ویژه در مناطق کم برخوردار شهری، به اندازه کافی دخالت ساکنان در تصمیم‌گیری‌ها را محقق نکرده است. خلق فرایندهای مربوط به سیاست‌های معاصر سازی به گونه‌ای است که در آن اقتدار و حاکمیت بخش دولتی به شدت غالب است و معمولاً شعارهای مشارکت، با واقعیت مطابقت ندارد و این باعث شده است که دانشگاهیان مسیرهای مذکور را به «عدم امکان مشارکت» محکوم کنند. واپتر آزمایشگاه زنده را به عنوان پاسخی احتمالی به این کمبود مشارکت مطرح می‌کند. او آزمایشگاه‌های زنده شهری را به عنوان ابزارهایی امیدوارکننده برای توسعه مداخلات «شهرسازی تاکتیکی» توصیف می‌کند: ابزارهایی محلی و بنیادی برای معاصر سازی. واپتر پیشنهاد می‌کند که آزمایشگاه زنده را به عنوان ابزاری برای رسیدن به آخرین سطح مشارکت در نظر بگیریم؛ زیرا مفهوم توانمند سازی را که می‌تواند به اصلاح اساسی سیاست‌های شهری منجر شود، شامل می‌شود.

عاملین در متن و بطن جامعه است؛ زیرا درک واقعیت زیسته بستر، مسئله‌ای اساسی در اقدام برای آینده شهرهای پایدار است. مقصود از مشارکت عمیق در این حالت، توسعه مراحل رسمی و غیررسمی اقدام در مراحل گوناگون فرایند توسعه پایدار و تسهیل تعهد و همکاری جوامع شهری در خلال آن در مقیاس محلی است. ضرورت یکپارچه سازی این اقدامات همگام با جوامع زمینه‌ای، اهمیت شناسایی فرصت‌های توسعه در بستر بومی و دربرگرفتن تنوع نیازهای فرهنگی - اجتماعی در مقیاس محلی، بر اهمیت بسط و توسعه روش‌های مشارکت عمیق صحنه می‌گذارد. در این صورت مشارکت عمیق می‌تواند تعمیم بهتر دانش محلی و دانش ضمنی در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی، ارتقا کیفیت نتایج توسعه و تقویت مشارکت جوامع در فرایندهای تصمیم‌گیری را تضمین کند.

این در حالی است که سرژ واپتر از اعضای مدرسه ملی معماری پاریس - لاولیت (ENSAPLV) با بازنگری در ادبیات

جدول ۱: طیف نقش‌ها در سطوح چیدمانی برنامه‌ریزی مشارکت عمومی، منبع: [۱۵]

### افزایش تأثیر بر تصمیمات

میزان مشارکت ذی نفوذان غیردولتی در فرایندها	اطلاع رسانی	مشاوره	مشارکت	همکاری	توانمندسازی
نقش مشارکت عمومی	تامین اطلاعات متعادل و هدفمند برای عموم برای کمک به آن‌ها در فهم مشکلات، گزینه‌ها، فرصت‌ها و راه‌حل‌ها	اخذ بازخورد از عموم در مورد تجزیه و تحلیل‌ها، گزینه‌ها یا تصمیمات	کار با عموم به صورت مستقیم از طریق فرایندهایی برای اطمینان از اینکه دغدغه‌ها و خواسته‌های آن‌ها پیوسته فهم شده و در نظر گرفته می‌شود.	شراکت و همکاری با عموم در همه جنبه‌های تصمیم از جمله توسعه و شناسایی راه‌حل‌های ترجیحی	فراهم نمودن امکان تصمیم سازی نهایی برای عموم
کد واژگانی	شما را پیوسته آگاه خواهیم نمود.	شما را پیوسته آگاه خواهیم نمود، به دغدغه‌ها و نگرانی‌های شما گوش خواهیم داد و به شما می‌گوییم که این خروجی‌ها چگونه بر تصمیمات موثر بوده است.	با شما کار خواهیم کرد تا مطمئن شویم که دغدغه‌ها و خواسته‌های شما مستقیماً در گزینه‌های توسعه منعکس شده و به شما می‌گوییم که این خروجی‌ها چگونه بر تصمیمات موثر بوده است.	برای نوآوری در فرموله کردن راه‌حل‌ها، شما را در نظر گرفته و توصیه‌ها و نصایح شما را تا بیشترین حد ممکن در تصمیمات دخالت می‌دهیم.	ما آن تصمیمی را اجرا می‌کنیم که شما اتخاذ کرده‌اید.



## مواد و روش ها

«آزمایشگاه زنده شهری» یک روش کارآمد در فرآیند معاصر سازی شهری محسوب می‌شود. رواج آزمایشگاه زنده، به دلیل ویژگی مشارکت فعال و چند جانبه آن‌ها رخ داد؛ مشارکتی که در سال‌های اخیر برای توسعه نوآوری‌های اجتماعی و مقابله با چالش‌های معاصر در بافت‌های شهری بسیار مهم تلقی شده است. شبکه اروپایی آزمایشگاه‌های زنده، آزمایشگاه‌های زنده شهری را «اکوسیستم‌هایی مبتنی بر کاربران و رویکرد سیستماتیک مشترک ایجاد شده توسط ایشان و همچنین ادغام فرآیندهای پژوهش و نوآوری در جوامع و محیط‌های واقعی» تعریف می‌کند. آزمایشگاه‌های زنده شهری، «شهروندان را در بطن فرایندهای معاصر سازی قرار می‌دهند» تا «با استفاده از مفاهیم و راه‌حل‌های جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات، فرصت‌هایی را برای برآوردن نیازهای مختص به بسترهای زیستی و فرهنگ‌ها شکل دهند». سه پیشگام اصلی آزمایشگاه‌های زنده در اروپا را می‌توان بدین شرح شناسایی کرد: جنبش طراحی مشترک و مشارکتی اسکاندیناوی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، آزمایش‌های اجتماعی اروپایی با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در دهه ۱۹۸۰ و پروژه‌های شهر دیجیتال از دهه ۱۹۹۰ میلادی. با ورود ایالات متحده به موضوع، مفهوم آزمایشگاه‌های زنده شهری به معنای واقعی کلمه ظاهر شد، زمانی که چندین شهر در پروژه «هوشمند-شهرها» (۲۰۰۵) مشارکت داشتند. همچنین اجداد علمی مفهوم آزمایشگاه زنده شهری احتمالاً بر موارد زیر منطبق است: ویلیام میشل از MIT که گفته می‌شود مبدع این واژه است و در بستر طراحی معماری و برنامه‌ریزی شهری آن را خلق کرده است؛ اریک ون هیپل با تدوین پارادایم «کاربران پیشرو»؛ هنری چسبرو از برکلی که توسط بسیاری به عنوان «پدر» تئوری نوآوری باز شناخته می‌شود و دن تاپسکوت، استراتژیست تجارت کانادایی که مفهوم «پروسیومر» (یعنی مصرف کننده + تولید کننده) را به عنوان بازیگر اصلی بازارهای جهانی در عصر وب معرفی کرد.

در سال‌های اخیر برنامه‌های مربوط به آزمایشگاه زنده از یک زمینه آزمایشی اولیه، کاملاً تکنیکی و وابسته به زمینه‌های اجتماعی اقتصادی، زیست‌محیطی به مدیریت گسترده موضوعاتی از جمله ایجاد مشترک داده‌های باز، مدیریت باز و سیاست‌های نوآورانه در حال تغییرند. از این لحاظ، آزمایشگاه‌های زنده شهری با سه فرض زیر، ممکن است ابزاری معتبر برای حمایت از سیاست‌های توسعه سرزمینی باشد [۱۶]:

۱. به عنوان ابزارهای عمودی برای ارتقا پژوهش‌ها، توسعه و نوآوری کاربرمحور در یک حوزه کاربردی خاص؛
  ۲. به عنوان واسطه‌ای بین شهروندان، دولت‌ها و سایر ذی‌نفعان که بر کل تجربه، نظارت می‌کند.
  ۳. به عنوان رهنمودهایی رفتاری و بهبود دهنده برای مقامات دولتی که می‌خواهند از «ترکیب» نوآوری‌های فنی، اجتماعی و سازمانی برای ارزش‌گذاری سرمایه فکری محلی و افزایش دانش موجود برای توسعه بهره‌برداری کنند.
- بر این اساس در اولین رویکردها و برخوردها در آزمایشگاه زنده شهری، مشاهده، تجزیه و تحلیل و توصیف مشخص و هدفمند مکان ضروریست؛ در گامی وسیع‌تر، هماهنگی ذی‌نفعان به منظور جهت‌گیری به سوی فعالیت‌های اجتماعی با تمرکز بر تجارب و تلاش‌های نوآورانه و متمرکز بر مردم به ویژه ساکنان و کاربران حیاتی است. همان‌طور که می‌بینیم، ویژگی‌های کلی و درک بسیار وسیع اصطلاح آزمایشگاه زنده شهری، تفسیرهای متعددی را ارائه می‌دهد. مفهوم آزمایشگاه زنده قابل توافق است، چندمعنایی است و به رویکردها، اهداف و اکوسیستم‌های انسانی، سیاسی و سازمانی متنوع و چندگانه اشاره دارد. همچنین هر آزمایشگاه زنده در یک زمینه منحصر به فرد و ویژه توسعه می‌یابد و بر چالش‌ها و مسائل خاص به خود تمرکز می‌کند، اما همه آن‌ها بهبود شرایط زندگی مردم شهرها را هدف می‌گیرند و بر یافتن راه‌حل‌های پایدار محلی برای حل مشکلات جهانی متمرکزند. آزمایشگاه‌های زنده شهری پدیده‌ای از جنس هماهنگی با فناوری‌های روزآمد و پیشرفته معماری و

شهرسازی است [۱۷-۲۶]. در بسیاری از حوزه های نوین، استفاده از نظرات مخاطب بدون استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات میسر نخواهد بود.

آزمایشگاه زنده شهری ابزاری است برای گذار به پایداری و توسعه سبز. امروزه شهرهای جهان با جدی ترین چالش های پایداری در مورد مصرف انرژی، آلودگی هوا و آب، شهرنشینی و به طور کلی زیست پذیری مواجه هستند و شروع به طراحی و استقرار پاسخ های محلی برای رفع این فشارها نموده اند؛ آخرین تحقیقات نیز به اهمیت شهرها در فرایندهای گذار به سوی پایداری اشاره کرده و معتقدند که مناطق شهری ممکن است حاوی منابع لازم، فضاها و همچنین به هم پیوستگی بخش ها و ذی نفوذان مختلف باشند که تحقق معاصر سازی را امکان پذیر می کنند [۲۷]. برای تسریع در تغییرات تحول آفرین، رویکردهای گذار به سوی پایداری بر اهمیت تجارب هدفمندی که غالباً در چارچوب توازن های اجتماعی- فنی در بستر و زمینه رخ می دهد، تأکید می کنند [۲۸]. منطق چنین تجاربی ارائه وسیله ای برای ترجمه چشم اندازهای بلندمدت و مسیرهای اجتماعی- فنی به اقدامات و روش های کوتاه مدت و ملموس تر است [۲۹]. تجربه در این حالت به فرایندهای جستجوی جمعی و اکتشافی اشاره دارد که در آن مجموعه گسترده ای از ذی نفعان مانند دانشگاه ها و نهادهای آموزشی، بازیگران بخش خصوصی و دولتی و جامعه مدنی در حال کاوش هستند، مذاکره می کنند و (در حالت ایده آل) عدم اطمینان به نوآوری های جدید فنی- اجتماعی در طی مسیر به سوی پایداری را از طریق آزمایش هایی در بستر دنیای واقعی، کسب دانش و تجربه در طول مسیر و در یک فرایند تکرارشونده یادگیری با اقدام و اقدام با یادگیری کاهش می دهند [۳۰]. چنین تجاربی بر پیکره بندی مجدد ظرفیت ها و منابع و دخیل نمودن بازیگران متعدد در زمینه های شهری [۳۱] و تامین مشارکت مردمی مؤثرند [۳۲] و با فراهم آوردن فضایی برای مذاکره پیرامون تعریف و درک مسئله، منابع موجود، ایدئولوژی های غالب و نوع تجربیات، موجب تغییر ساختار نهادهای محلی شده و از این طریق می توانند به تغییرات

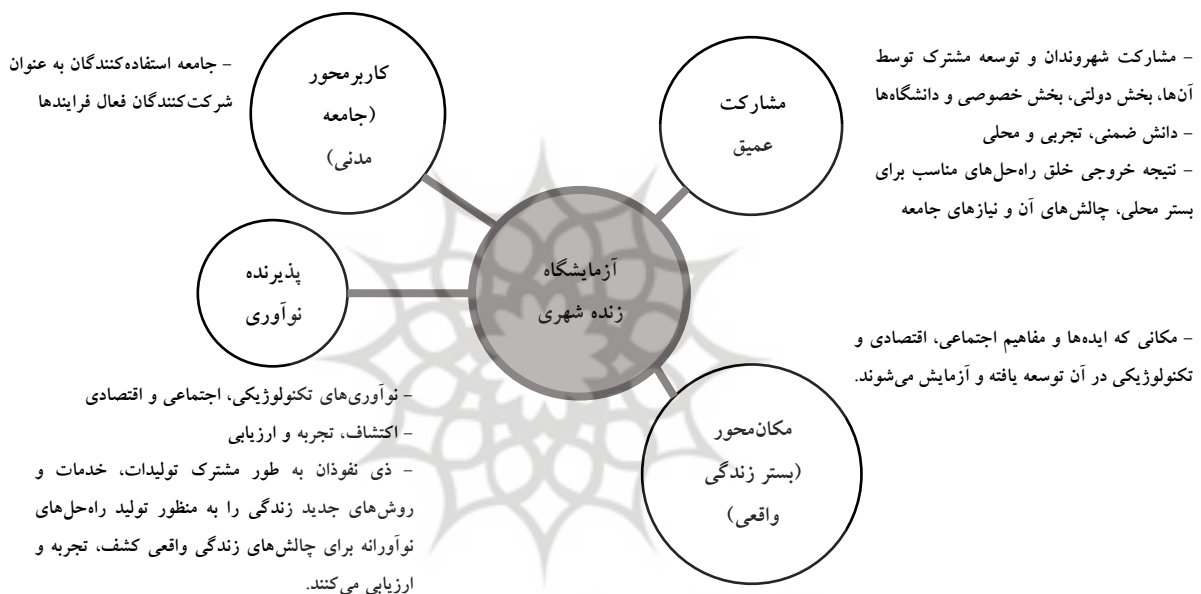
ساختاری عمیق و گذار به سوی پایداری کمک کنند [۳۳]. این موضوع باعث می شود که در میان گام های پژوهش در بستر زندگی واقعی با حضور و مشارکت ذی نفعان چندگانه، دستیابی به راه حل های تأثیرگذار و متناسب که به راحتی و به سرعت توسط همه ذی نفعان پذیرفته شود، در یک محیط فراگیر نوآورانه اهمیت یافته و این موضوع در دستیابی به محیط زندگی مرفه تر که زیست پذیرتر، پایدارتر، انعطاف پذیرتر و عادلانه تر باشد، مؤثر باشد.

آزمایشگاه های زنده شهری به عنوان فرایندها و عرصه هایی در نظر گرفته می شوند که می توانند برای راه اندازی فضاهای اکتشاف، بررسی، آزمایش، تجربه و ارزیابی ایده های خلاق و راه حل های نوآورانه در زمینه های پیچیده و روزمره زندگی مورد استفاده قرار گیرند. آزمایشگاه های زنده شهری که طیف وسیعی از رویکردهای روش شناختی و مفهومی را در برمی گیرند و با ترویج بستری جدید برای تجربه همکاری و مشارکت شهروندان، پیچیدگی شهرها را به تصویر می کشند، به عنوان مجموعه ای از روش ها و ابزارهای کمی و کیفی برای ایده پردازی، طراحی، توسعه و اعتبارسنجی نوآوری ها همراه با (و توسط) کاربران نهایی در محیط های زندگی واقعی شناسایی می شوند. آزمایشگاه زنده شهری یا لابراتوار زندگی واقعی فضایی است از نظر جغرافیایی محدود شده [۳۴] که فعالیت ها و فرآیندهایش در یک منطقه یا سایت مشخص در بستر و متن زندگی واقعی صورت می پذیرد و رویکردهایی را برای تقویت همکاری بین محققان، شهروندان، اصناف و بخش دولتی و برای ترویج پروژه های مشترک توسعه می دهد [۳۵]. در نظرات نوین مرمت شهری [۳۵-۴۰] بیش از هر چیز دیگر، تعامل میان فرم و زمینه اولویت دارد؛ چیزی که مبنای توسعه آزمایشگاه های زنده شهری است. از منظر روش شناسی تحقیق، نگاه مبتنی بر فناوری های روزآمد و پیشرفته معماری و شهرسازی [۴۱-۴۵] تأثیر چشمگیری بر موفقیت نگاه همه جانبه به مساله طراحی بر عهده خواهد داشت.

آزمایشگاه های زنده شهری، مبتنی بر مشارکت انعطاف پذیر و عمیق نهادهای عمومی، بخش خصوصی، دانشگاه ها و شهروندان باهدف افزایش کیفیت زندگی در مقیاس شهری

در مورد چگونگی ارزیابی مکان و نحوه استفاده از آن یا تمایل به استفاده از آن در آینده ارائه دهند. در واقع به واسطه یک آزمایشگاه زنده شهری، دانش محلی می‌تواند طراحی و پیاده‌سازی یک برنامه توسعه را بهبود بخشیده و بهره‌گیری این دانش به اصطلاح ضمنی یا تجربی، می‌تواند درک بهتری از چگونگی انطباق یک برنامه توسعه با بافت محلی ایجاد کند.

هستند [۴۶]. از آزمایشگاه‌های زنده شهری در زمینه‌های زندگی واقعی و در فرایند توسعه پایدار، می‌توان به منظور تحقق مشارکت و رصد و ارزیابی مراحل مختلف خلق مشترک شامل طراحی (مشترک)، پیاده‌سازی (مشترک) و مدیریت و نگهداری (مشترک) استفاده کرد. این آزمایشگاه‌ها توانایی ایجاد راه‌حلی را دارند که به متن محلی، چالش‌های آن و نیازهای جوامع محلی پاسخ داده و متناسب با آن‌ها باشند. در کنار آن، جوامع محلی به‌عنوان کاربران روزانه یک سایت یا محله خاص، می‌توانند دانش ارزشمندی



شکل ۱: ویژگی‌های آزمایشگاه زنده شهری

فعالیت‌های خود را در آن انجام می‌دهیم. آن‌ها، نتیجه مداخلات انسان در منظر طبیعی بوده و سابقه‌ای از فعالیت‌های انسانی، ارزش‌های انسانی و ایدئولوژی‌ها را به نمایش می‌گذارند. آن‌ها فقط تغییرات کالبدی ناشی از مداخله مادی هستند که در منظر نمایان شده و از این طریق روابط انسانی با محیط اطراف را منعکس می‌کنند. برای درک خویشتن، ما باید به جستجوی «منظر به‌عنوان سرنخی برای فرهنگ» پردازیم [۴۷] و در آن به مناظر روزمره معمول، توجه داشته باشیم، نه فقط نمادهای ملی. چنین منظر معمولی

سرزندگی شهری عاملی است که بتوان به واسطه آن یک امر روزمره را به مثابه «منظر آیینی» معرفی کرد. منظر، منعکس‌کننده شیوه‌های زندگی روزمره، ایدئولوژی‌های مؤثر بر ایجاد مکان توسط مردم و توالی یا ریتم زندگی در طول زمان و روایت‌کننده داستان افراد، حوادث و مکان‌ها در طول زمان بوده و بدین واسطه حس تداوم را القا می‌کند. به این ترتیب ما در محاصره مناظری هستیم که مردم باگذشت زمان اسکان، اصلاح و یا تغییر داده‌اند. این مناظر به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از تجربه زیسته ساکنین خود، موضوعی فرهنگی و «منظری روزمره» هستند که ما را احاطه کرده و

توجه به جایگاه افراد بومی در منظر آیینی، از اهمیت به سزایی برخوردار است. مطالعات سنتی منظر، بیشتر بر دیدگاه عینی افراد برای درک اشکال جغرافیایی و ویژگی‌های مناظر تأکید می‌کرده است. با این حال، درک معانی و ارزش‌های نهفته در منظر به بررسی دیدگاه‌های ذهنی افراد بومی بستگی دارد که می‌توانند از طریق تجربیات شخصی خود، منظر را بخوانند و بشناسند. مردم محلی به‌عنوان افراد بومی و آشنا، بخشی از منظر هستند. از نظر آن‌ها، منظر با مفاهیم شخصی و اجتماعی تجسم‌یافته و معیشتشان با جنبه‌های کالبدی، فرهنگی و معنوی منظر بسیار گره‌خورده است [۴۸]. دیدگاه افراد محلی نسبت به منظر تحت تأثیر جهان‌بینی مشترک، ارزش‌های فرهنگی و خویشاوندی و همچنین تجربه شخصی و ارتباط با جامعه و مکان قرار دارد [۴۹]. به‌علاوه این دیدگاه، بر بعد فردی و ذهنی مکان تأکید دارد و معمولاً مقید به مکان است. بر این اساس، درک ویژگی‌های فرهنگی جوامع شامل رفتارها، اعتقادات و نمادهای ایشان و ضرورت بررسی آن‌ها در زمینه محلی خود، بسیار مهم است [۱۴].

به‌علاوه برخی از ویژگی‌ها و خصایص منظر به‌طور ویژه، مختص مردم محلی است. یک منظر مقدس و آیینی، شامل داستان‌های اسطوره‌ای، افسانه‌ها، آیین‌های مذهبی و ارزش‌های معنوی است که ریشه‌های عمیق در فرهنگ و سنت‌های محلی دارد [۵۰] و دلبستگی عاطفی و ارتباط معنوی قوی که مردم محلی نسبت به آن دارند، از تماس و تجربه مداوم آن‌ها با این منظر به‌صورت روزمره ناشی می‌شود. آن‌ها منظر آیینی را به‌عنوان مشارکت‌کنندگان آن درک می‌کنند و بر این اساس دیدگاهشان نسبت به آن، فراتر از ویژگی‌های ملموس و متمایل به ایدئولوژی‌های اساسی معنوی به‌عنوان یک پیوند با هویت فرهنگی مشترک و میراث آن‌ها است [۵۱].

در این مورد اسمیت [۵۱] پیشنهاد می‌کند درحالی‌که منظر به یک عنوان فرآیند، ارزش‌ها و معانی تثبیت‌شده را انتقال می‌دهد، معانی و ارزش‌های جدیدی نیز ایجاد می‌کند. از این رو منظر پویا است و... آنچه منظر را تشکیل می‌دهد، ثابت نیست... با جامعه تکامل و تحول می‌یابد و ارزش‌های

همان چیزی است که لیندا ساکسون به زیبایی آن را در عبارت «مقدس معمول» خلاصه می‌کند، جایی که مردم در مکان‌های معمول روزمره خود، احساس مقدس می‌یابند [۱۴]. چنین منظری به‌عنوان منظر آیینی، بخشی غیرقابل تفکیک و منسجم از پیشینه فکری و فرهنگی و به‌نوعی نمایانگر آیین زیست روزمره افراد است؛ منظری که شیوه‌های معمول عبادت در زندگی روزمره را در برمی‌گیرد و احتمالاً قابل شناسایی‌ترین راه تعاملات انسانی و نیروهای الهی است.

این مناظر فرایندهایی را شکل می‌دهند که چیزی فراتر از ساختمان‌ها، سازه‌ها و سایت‌ها را پوشش داده و مفاهیمی از تاریخ زنده و میراث زنده تا طیف کاملی از حس مکان افراد، دانش سنتی و روش‌های انتقال آن، تولیدات فرهنگی، حفاظت از منابع طبیعی و سنت‌های فرهنگی که پایه‌های معیشت محلی را فراهم می‌کنند، در برمی‌گیرند. بر این اساس، ایدئولوژی محوری پیرامون منظر روزمره به‌عنوان منظری آیینی، فرهنگ است، در این صورت مفاهیم مرتبط با آن، به‌عنوان منبعی برای توسعه پایدار مبتنی بر جامعه بومی، بنیادی را برای برقراری ارتباط میان پایداری فرهنگی و اقدامات مدیریت منظر ارائه می‌دهد.

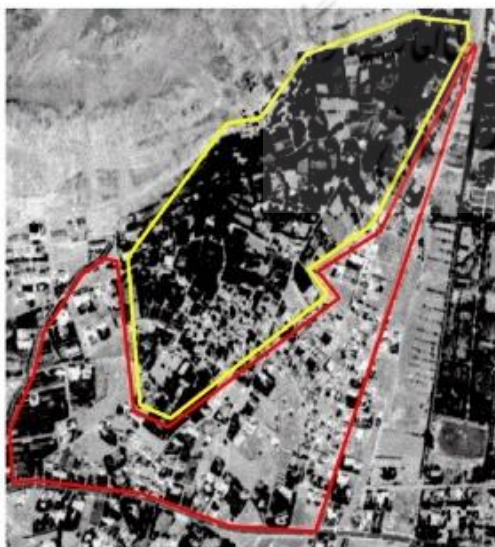
اهمیت امر روزمره و مناظر مقدس معمول در این زمینه تا آنجاست که ارزش‌گذاری مکان‌های معمولی و روزمره در دوره معاصر از توجه و اقبال بین‌المللی برخوردار است. این مهم در بزرگداشت تاریخ، پیوستن ما به آن و افزایش حس مکان نقشی کلیدی دارد؛ به‌علاوه خود بخشی از یک اجماع و توافق گسترده جهانی در خصوص روشی است که در آن مردم روزمره، جوامع متداول و گروه‌های اقلیت برای مکان‌های مقدس معمول، ارزش قائل هستند. نکته اصلی در این موضوع، علاقه، پیگیری‌ها و نگرانی‌ها پیرامون مکان‌هایی است که به زندگی روزمره معنا و مفهوم می‌بخشند و تنوع فرهنگی ما را شکل می‌دهند [۱۲]. در ایران به‌ویژه نمونه‌های برجسته‌ای از سنت‌های مداوم حیات‌بخش و تغذیه‌کننده از تاریخ، بخشی از ترکیب پیچیده و زیبای زندگی روزمره است. نوعی از زندگی که شکل دهنده حیات اجتماعی و فرهنگی شهرها محسوب می‌شود.



کشتزارهای متعدد و نزدیکی به سلسله جبال البرز مرکزی، مورد توجه اقشار مختلف مردم بوده است. این محله در دو کیلومتری شمال شرقی تجریش و در دامنه جنوبی سلسله جبال البرز مرکزی واقع شده و از شمال به حصارک و از شرق و غرب و جنوب به ترتیب با محلات نیاوران، نخجوان و کامرانیه همجوار است. با رشد و گسترش کالبدی شهر، بافت های ارگانیک و بومی در این ناحیه تدریجاً توسط بافت نوساز شهر احاطه شده و سیمای بومی این منطقه جای خود را به ساخت و سازهای جدید درون شهری داده است؛ لیکن اختصاص حسینیه جماران به محل استقرار امام «ره» و سکونت بیت رهبری در این ناحیه اصلی ترین عاملی بوده که باعث کاهش ساخت و ساز و دگرگونی در این منطقه شده، از این رو بافت این محله دچار دگرگونی کمتری شده است. با توجه به قدمت تاریخی جماران، این منطقه حتی تا به امروز نیز بخشی از هویت تاریخی خود را حفظ کرده و کماکان می توان خانه های قدیمی کاهگلی با سقف های چوبی و کوچه های تنگ و باریک و پیچ در پیچ را در آن مشاهده کرد. وجود قنات های متعدد، باغ های میوه، حمام، گورستان محلی و دکان های قدیمی از دیگر ویژگی های جماران قدیم بوده است که در روزگار کنونی اثر اندکی از آن ها باقی مانده باشد.

متغیر اجتماع را باگذشت زمان منعکس می کند؛ بنابراین تعریف مجدد نقش، معنی و هدف آن بر عهده جوامع معاصر است [۵۲]. به این ترتیب با تعریف نقش و معنی جدید، می توان از پتانسیل های منظر برای تحقق مشارکت افراد بومی در بسترهای شهری بهره جست.

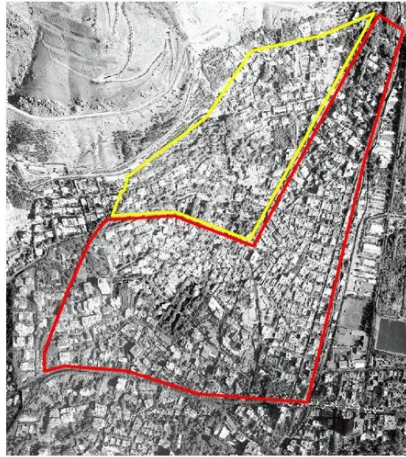
یک آزمایشگاه زنده شهری به درخواست ها برای توانمندسازی شهروندان پاسخ می دهد. با این حال، تاکنون روش های آزمایشگاه زنده شهری به ندرت زمینه های محروم و جوامعی را که شامل مهاجران، سالمندان، جوانان و گروه ها و افراد محروم اجتماعی است، مورد توجه قرار داده اند. به منظور مطالعه پتانسیل آزمایشگاه های زنده در پاسخ به کمبود ابزارهای برنامه ریزی معاصر، توسعه یک چارچوب روش شناختی برای آزمایشگاه های زنده شهری اهمیت دارد. در خصوص محله جماران تنوع و پیچیدگی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت جامعه محلی در پاسخ به توسعه پایدار، نیاز به وجود یک روش تحقیقاتی بهبودیافته و مؤثر، باهدف دریافت اطلاعات کیفی و عمیق در مورد ارزش ها و واکنش های جامعه را آشکار می سازد. جماران یکی از قدیمی ترین محلات شمیران و مشهورترین آن ها به شمار می آید. این منطقه از قدیم الایام به واسطه آب و هوای مطبوع و نیز باغ ها و



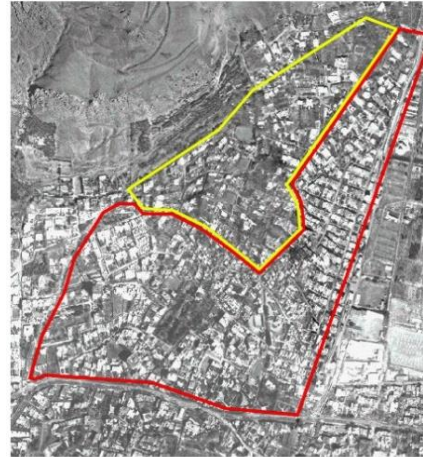
عکس هوایی سال ۱۳۴۹: هسته اولیه محله جماران و توسعه تا سال ۱۳۴۹



عکس هوایی سال ۱۳۵۵: هسته اولیه محله جماران



عکس هوایی سال ۱۳۸۱: هسته اولیه محله جماران و توسعه تا سال ۱۳۸۱ که با بالا رفتن تراکم در بافت و تخریب باغات همراه است.



عکس هوایی سال ۱۳۷۴: هسته اولیه محله جماران و توسعه تا سال ۱۳۷۴ که با بالا رفتن تراکم در بافت همراه است.

شکل ۲: روند توسعه در بافت شهری محله جماران

طرح جامع فضاهای فرهنگی شهر تهران) برای شناخت و تحلیل کالبدی- اجتماعی محله بهره‌برداری شده است. همچنین در مسیر دوم در پژوهش حاضر، داده‌های مورد نیاز پژوهش که از نوع کیفی هستند، از منابع دست‌اول با راهبرد نمونه‌گیری گلوله برفی/ معیار محور باهدف مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با مطلع‌ترین افراد در سطح گروه‌های ذی‌نفوذ و بدنه جامعه بومی استخراج شد. بدین منظور لازم بود ذی‌نفوذان فرایند توسعه پایدار محله مورد شناسایی و بررسی قرار گیرند. شکل زیر ذی‌نفوذان آزمایشگاه زنده شهری و نقش آن‌ها در توسعه را مورد تدقیق قرار داده است.

تاکید پژوهش حاضر در محله جماران، بر رویکرد روش‌شناختی کیفی بوده و به‌واسطه ماهیت میان‌رشته‌ای، دو مسیر روش‌شناختی متمایز را طی نموده است. در مسیر نخست با انتخاب راهبرد موردپژوهی، بافت تاریخی و مرکزی محله جماران به‌عنوان بستر مطالعاتی پژوهش انتخاب شده و موردبررسی و شناخت قرار گرفته است. بدین منظور علاوه بر بررسی‌های میدانی و حضور در بستر پژوهش به‌صورت روزمره و مشاهده، از منابع دست‌دوم مکتوب (شامل طرح ساماندهی و بهسازی محله جماران، مطالعات ارتقا کیفی میداین تجریش-قدس و محور حدفاصل خیابان شهرداری و



شکل ۳: ماتریس ذی‌نفوذان آزمایشگاه زنده شهری در محله جماران

در داده‌ها را از طریق خواندن و بازخوانی دقیق متن نشان می‌دهد. در تجزیه و تحلیل، کدها به صورت سلسله‌مراتبی ساختار یافتند، به گونه‌ای که کدهای بالاترین سطح، نشان‌دهنده مضامین گسترده‌ای در داده‌ها هستند؛ در حالی که سطوح پایین‌تر نشان‌دهنده تم‌های ظریف‌تر تمرکز در این موضوعات گسترده است.

#### یافته‌ها

در حوزه محله جماران، پس از تجمیع تمامی مباحث به دست آمده از نظر ساکنین و تطبیق آن با شناخت پژوهشگر از بستر پژوهش و تحلیل آن‌ها، تمامی گفتمان‌های پرتکرار شناسایی شدند، به طوری که هر یک از آن‌ها یکی از مسائل و یا نیازهای محله و ساکنین آن را مورد هدف قرار می‌دهد. پس از آن با طبقه‌بندی مناسب این مفاهیم، شناسایی مقوله‌های عمده ممکن شد. هر مقوله عمده، گفتمان‌هایی را در خود جای داده که از لحاظ مفهومی به یکدیگر وابسته بوده و می‌توان آن‌ها را در یک دسته قرار داد. جدول زیر نتایج حاصل از کدگذاری باز و مقوله‌پردازی در محله جماران را نشان می‌دهد. توضیحاتی نیز در باب هر یک از مقوله‌ها در جدول ارائه شده است.

بر همین مبنا، جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ذی‌نفعان فرایند توسعه محله جماران به عنوان محدوده پژوهش بوده و مصاحبه‌ها با پیروی از یک راهنمای استاندارد، بین ۵۰ تا ۸۰ دقیقه به طول انجامیدند. هر یک از مصاحبه‌شوندگان مستقیماً در تنظیم یا مدیریت فعال محله نقش داشتند. برای محله، حداقل سه نماینده از گروه‌های مختلف ذی‌نفع (به عنوان مثال محقق، مدیر دولتی، ساکنین و ...) انتخاب شدند تا کثرت دیدگاه‌ها را در مورد فرآیندهای مربوط به محله و توسعه آینده آن تامین نمایند. مصاحبه‌ها تاریخچه محله، دامنه و ویژگی‌های متمایز را پوشش می‌داد. جنبه‌های دیگر نوع فعالیت‌های انجام شده در محله و همکاری بین ذی‌نفعان محله و با شرکای غیربومی بود. علاوه بر این، مصاحبه شامل سؤالاتی در مورد مشکلات محله، تأثیرات توسعه، ارزیابی آن و استراتژی‌های توسعه آینده بود. در مرحله بعد، تحلیل و تقلیل داده‌ها در چارچوب نظریه زمینه‌ای صورت گرفت. با استفاده از این روش، بر تولید نظریه بر پایه داده‌هایی که به طور سیستماتیک و به روش مصاحبه عمیق جمع‌آوری و تحلیل گردیده‌اند، تأکید شد. تجزیه و تحلیل متن مصاحبه در این پژوهش، بر مبنای روش تجزیه و تحلیل الگو صورت پذیرفته که شامل تعریف یک الگوی کدگذاری است. این الگو خود شامل کدهایی است که موضوعات مشخص شده

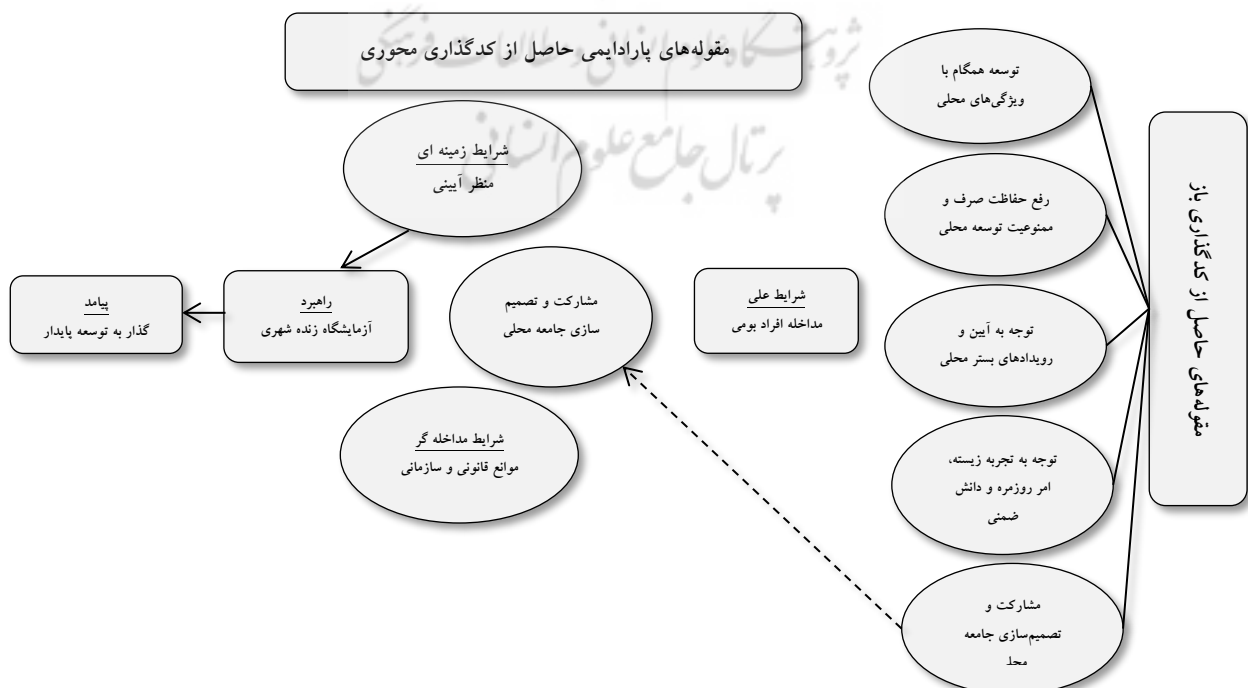
جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های عمده در کدگذاری باز مصاحبه‌ها در محله جماران

مفاهیم	توضیحات	مقوله‌های عمده	گفتمان‌های پرتکرار
توسعه	مقوله توسعه همگام با حفظ ویژگی‌های محلی به عنوان یکی از مهم‌ترین موارد در خصوص محله جماران مطرح شده و نشان از تمایل ساکنین به گونه‌ای از توسعه در بافت دارد که با توجه به ارزش‌های بومی و سنتی محله رخ دهد.	توسعه همگام در محله با حفظ ویژگی‌های بومی	جلوگیری از رواج ساخت‌وسازهای بی‌رویه در محله
			لزوم توجه به ویژگی‌های محلی به هنگام تصمیم‌گیری در خصوص توسعه محلی
			لزوم جلوگیری از آسیب‌های وارده به هسته مرکزی محله در اثر توسعه بافت آن
			لزوم حفاظت از هویت ساکنین و جلوگیری از آسیب به آن در اثر توسعه بی‌رویه
حفاظت	این مقوله بیانگر عدم رضایت ساکنین از موانع موجود در بافت سنتی محله برای ساخت‌وساز بوده و در نتیجه منجر به تفاوت فاحش و آزاردهنده ارزش املاک در هسته مرکزی محله با سایر بخش‌های محله می‌شود.	رفع حفاظت صرف و ممنوعیت‌های ساخت‌وساز و توسعه محلی	وجود راهکارهایی در خصوص رفع حفاظت کالبدی در بافت مرکزی محله
			فراهم آمدن امکان تجمیع پلاک‌های ریزدانه
			فراهم آمدن امکان ساخت‌وساز در بافت سنتی محله
			رفع موانعی که افت ارزش املاک را در بافت مرکزی محله در پی داشته است

			اندیشیدن تمهیداتی به منظور رفع تفاوت فاحش ارزش املاک در کل محله جماران
			رفع محدودیت‌های ساخت‌وساز در حریم درجه ۱ و ۲ عرصه تاریخی
مقدس معمول	از دیدگاه ساکنین محلی توجه به سابقه تاریخی محله موضوعی است که در برگزاری رویدادها و آیین‌ها در بستر آن مغفول مانده است. همچنین رویدادها و مراسم غالباً و صرفاً در ارتباط با بیت حضرت امام «ره» و بدون توجه به ساختار زیستی ساکنین برنامه‌ریزی می‌شود.	توجه به آیین و رویدادهای بستر محلی	توجه به سابقه تاریخی سایت هنگام برگزاری رویدادها و آیین‌های مناسبتی
			توجه به نوع و ساختار رویدادها و مراسمات در بستر محلی با توجه به وجود بیت امام «ره» در مجاورت ساختار زیستی محله
منظر روزمره	لزوم توجه به ساخت زندگی روزمره ساکنین و تجربیات آن‌ها که به واسطه زیست در بستر محله حاصل شده است، در این مقوله می‌تواند عنوان موضوعی تبیین شود که بر توسعه محله خواهد داشت.	توجه به امر روزمره و دانش محلی	توجه به فرهنگ و امر روزمره مردم محلی در برخورد با مسائل محله و تصمیم‌گیری در خصوص نحوه مداخله در بافت
			استفاده از تجربیات مردم محلی در توسعه محله و احترام به ارزش‌های ایشان
مشارکت افراد بومی	موضوعی که مؤکداً در متون مصاحبه مشاهده شد، تمایل ساکنین به مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها در بافت محله بوده و این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که توجه کنیم این موضوع مستلزم حضور سایر ذینفعان در کنار ایشان، به‌ویژه ذینفعان بخش دولتی هست.	مشارکت و تصمیم‌سازی جامعه محلی	تمایل ساکنین به حضور در تصمیمات اتخاذشده برای محله

بود که طی آن، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری باز، تدوین شده و ترتیب یافتند تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط ایجاد گردد. روابط میان اجزا و مؤلفه‌های اصلی حاصل از کدگذاری محوری درباره نقش پیاده‌سازی آزمایشگاه زنده شهری در محله جماران به صورت شکل زیر ارائه گردید.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، با اجرای کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها طی فرآیند رفت و برگشتی و همچنین با توجه به شناخت حاصله پیرامون محله جماران، نهایتاً ۵ مقوله به عنوان مقوله‌های اصلی نهایی انتخاب شد. فرآیند ربط دهی مقوله‌ها به زیر مقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد تحت عنوان کدگذاری محوری، گام بعدی



شکل ۴: مقوله‌های حاصل از کدگذاری باز و محوری مصاحبه‌ها در پژوهش حاضر



جدول زیر مفاهیم مندرج در نمودار فوق را بسط داده است:

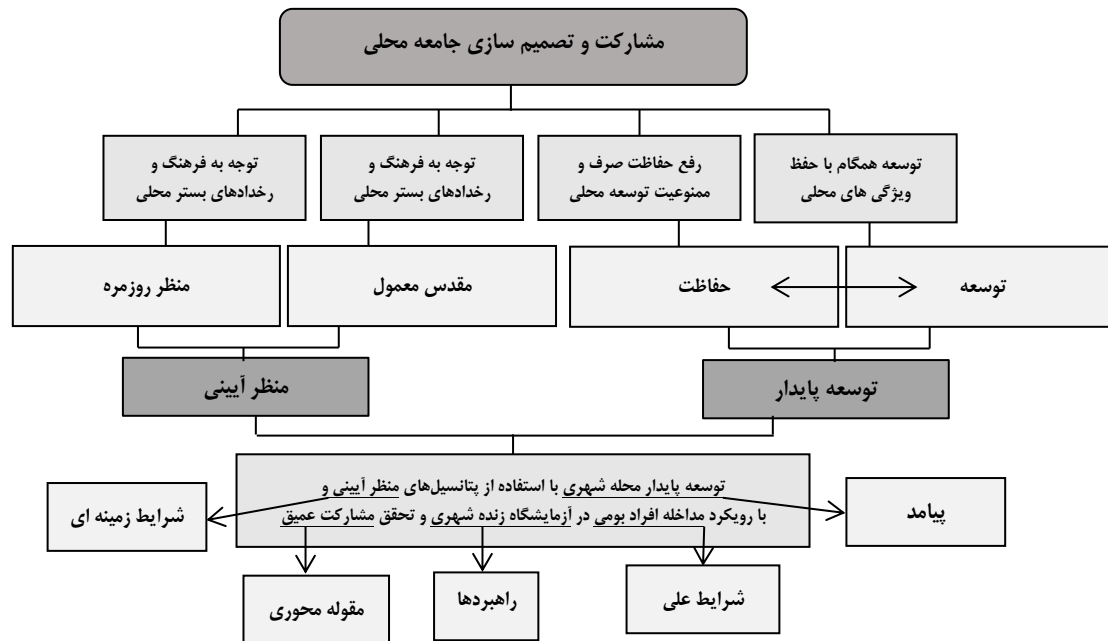
جدول ۳: مقوله محوری، شرایط و پیامدهای مستخرج از روش تئوری زمینه‌ای

مقوله محوری	«مشارکت و تصمیم سازی جامعه محلی» که تمام مقوله‌های به‌دست آمده از کدگذاری باز به آن مربوط بوده و به‌نوعی از آن سرچشمه می‌گیرند.
شرایط علی	از میان مقوله‌های استخراج شده، مداخله افراد بومی، به‌عنوان شرایط علی باعث توسعه مقوله محوری پژوهش (مشارکت و تصمیم سازی جامعه محلی) می‌شود.
شرایط زمینه‌ای	شرایط زمینه‌ای شناخته شده در این پژوهش، منظر روزمره و مقدس معمول است که اشاره‌اش به شرایطی است که در بستر محلات سنتی و مستقیماً در ارتباط با تجربه زیسته و ساخت زندگی روزمره ساکنین وجود داشته و بسیاری از اقدامات در سطح محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
شرایط مداخله‌گر	شرایط مداخله‌گر در بستر پژوهش، موانع قانونی و سازمانی موجود به‌منظور تحقق مشارکت عمیق ساکنین است. قانون و ساختارهای سازمانی حاکم در ایران، در موضوع اقدامات شهری و به‌ویژه اقدامات شهری مشارکتی همیشه به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر محسوب می‌شوند.
راهبرد	در یک زمینه شهری و با شرایط مشخص نظیر محله جماران، مجموعه مشخصی از راهبردها یا اقدامات امکان‌پذیر است. ارائه راهکارهای مؤثر در خصوص بهبود و رفع هر یک از مسائل بستر با استفاده از پیاده‌سازی یک آزمایشگاه زنده شهری و حرکت به‌سوی توسعه پایدار با کمک آن، می‌تواند موانع موجود در زمینه مشارکت و تصمیم سازی افراد بومی را کم‌رنگ‌تر کرده و یا از میان بردارد.
پیامد	برخی مقولات بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. تحقق گذار به توسعه پایدار شهری در محله جماران به‌عنوان یک پیامد، ناشی راه‌اندازی آزمایشگاه زنده شهری در بستر محلات و دخیل و درگیر نمودن کلیه ذی‌نفعان و به‌ویژه جامعه محلی در بستر آزمایشگاه می‌باشد.

مشارکت در ساخت و سازها در سطح محله در کنار احساسات تعلق ایشان به آن به‌عنوان بستر زیست بومی‌شان نیز قابل تشخیص و تأکید بوده است. با عنایت به این مباحث و همچنین دیاگرام فوق، گام بعدی بخش کیفی پژوهش استخراج ۴ مفهوم نهایی مرتبط با نظریه با توجه به مقولات اولیه شناسایی شده بود که طبق آن‌ها مدل پارادایمی پژوهش استخراج شد. این مدل در پژوهش حاضر، جریان فرایندها و فعالیت‌هایی را که در بستر مطالعه جاری است، مورد شناسایی قرار می‌دهد.

گام بعدی پژوهش حاضر، نظریه‌پردازی درباره نقش آزمایشگاه‌های زنده شهری در گذار به توسعه پایدار شهری و طراحی مدل پارادایمی آن است. آنچه از شناخت محدوده پژوهش حاصل شده و با تجزیه و تحلیل متون مصاحبه‌ها و تدقیق متون یادداشت‌نگاری مورد تأکید قرار گرفته است، نشان می‌دهد مهم‌ترین مسئله‌ای که زیست کالبدی و فرهنگی اهالی محله را تحت تأثیر قرار می‌دهد، وجود بیت و حسینیه امام «ره» در محله و ثبت آن به‌عنوان اثر تاریخی در فهرست آثار ملی است که هم محدودیت‌هایی را در توسعه محله حادث نموده است و هم زیست روزمره ساکنین را با فعالیت‌های این مجموعه در تمام روزهای سال و به‌ویژه در ایام مناسبت‌های گوناگون عجین نموده است. درحالی‌که موضوع عدم امکان توسعه مناسب موجبات نارضایتی ساکنین را فراهم نموده است، درعین حال به دلیل علاقه ایشان به حضرت امام «ره» و تشخیصی که محله به دنبال تداوم حضور ایشان در مجموعه بیت پیدا کرده است، علاقه به حضور و مشارکت در رویدادهای گوناگون را به دنبال داشته است. به‌علاوه ضمن مصاحبه با اهالی علاقه ایشان به حضور و





شکل ۵: مدل پارادایمی پژوهش حاضر با تأکید بر محله جماران

پیاده سازی آزمایشگاه زنده شهری در محله جماران نشان از یک مدل موفق از معاصر سازی پایدار محسوب می شود. برای پاسخ به این سؤال که چگونه آزمایشگاه زنده شهری در محله جماران می تواند به عنوان یک ابزار حمایتی در فرآیندهای ارتباط با جامعه مدنی و مشارکت ساکنان برای کسب آگاهی در سطح محله و حرکت به سوی توسعه پایدار استفاده شود، روش کار آزمایشگاه زنده پیشنهاد شده برای محله جماران با توجه به شناخت حاصله از آن، در ۵ مرحله تدوین شده که در جدول زیر نشان داده شده است. این گام ها با بررسی ادبیات نظری پیاده سازی آزمایشگاه های زنده شهری و تطبیق آن با شناخت حاصله از محله جماران به عنوان بستر پژوهش حاصل شده است.

با توجه به مبانی نظری پژوهش که بر ارزش های مشارکتی برای مردم بومی تأکید داشته و همچنین با توجه به یافته های مرتبط با آزمایشگاه های زنده شهری که مشارکت جوامع محلی را به عنوان اصلی غیر قابل اجتناب به منظور تحقق خلق مشترک و گذار به سمت توسعه پایدار شناسایی نموده است، نظریه حاصل از روش تحقیق تئوری داده بنیاد، طبق گزاره زیر قابل تبیین است:

« آزمایشگاه زنده شهری با فراهم سازی امکان استفاده از پتانسیل ها و ظرفیت های «منظر آیینی» به عنوان «منظر روزمره»، از طریق زمینه سازی مداخله کلیه ذی نفوذان و از جمله جامعه محلی و تحقق مشارکت عمیق، گذار به توسعه پایدار محله شهری را در پی خواهد داشت.»

جدول ۴: روش کار آزمایشگاه زنده شهری در محله جماران

وجود تعارض میان ساکنین ناشی از عدم امکان ساخت و ساز در بافت ارگانیک و حفاظت شده محله در کنار رشد و گسترش بی رویه ساخت و ساز در سایر بخش های آن	شناخت یک مسئله	شروع
تعریف ذی نفوذان پروژه در محله و پیوند یافتن با یک پروژه موجود یا راه اندازی یک پروژه جدید	تعریف یک پروژه	
اختصاص حسینیه شماره ۲ جماران یا حسینیه پایین (عموماً مختص ساکنین بومی محله) به عنوان دفتر مرکزی آزمایشگاه به منظور تضمین افزایش حضور و مشارکت ایشان	پیوند با یک فضا به عنوان نماد تغییر	

		- تخصیص فرهنگسرای حضرت امام «ره» واقع در محل باغ امیرسلیمانی به‌عنوان یکی دیگر از پایگاه‌های آزمایشگاه برای گسترش حوزه نفوذ آزمایشگاه و مقیاس‌گذاری آن
توسعه برنامه	دیدگاه مشترک	- رسیدن به دیدگاهی مشترک به عنوان پیش شرط یک تعهد مشترک، با توجه به وجود گسست میان ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در محله جماران
	طراحی فرایندها	- تدوین برنامه کاری و طراحی فرایندهای توسعه در محله جماران توسط شهرداری منطقه به‌عنوان ذی‌نفوذ بخش عمومی با همکاری مشترک با نهادهای دانشگاهی
اجرا	حضور کاربران در فرایند اجرا	- استفاده از ظرفیت نهادهایی نظیر شورایی‌ها به منظور افزایش حضور کاربران نهایی به عنوان شرط لازم برای موفقیت در مرحله عملیاتی پیاده‌سازی آزمایشگاه زنده شهری
	ساختار مدیریتی	- وجود یک ساختار مدیریتی برای مدیریت عملیات پیاده‌سازی آزمایشگاه در محله جماران با همکاری شهرداری منطقه با سایر نهادها با حداقل دخالت در تحقق فرایندها
ارزیابی	همکاری با نهادهای دانشگاهی	- مشارکت نزدیک نهادهای دانشگاهی در آزمایشگاه زنده در محله جماران به منظور نظارت و ارزیابی

### بحث و نتیجه‌گیری

باید توجه داشت که ساکنین بافت مرکزی و سنتی جماران را جمعیتی تشکیل می‌دهد که از نظر اجتماعی در مقایسه با ساکنین سایر بخش‌های محله آسیب‌پذیرتر می‌باشند، لذا برای بررسی عمیق چگونگی مشارکت این افراد آسیب‌پذیر در فرایندهای آزمایشگاه زنده شهری، ارائه تفسیری اجتماعی از آزمایشگاه زنده در تئوری و عمل ضروری می‌نماید. در این صورت بایستی سیاست‌های انتخابی، از نظر توانایی آن‌ها در مواجهه با مسئله همزیستی بین این افراد آسیب‌پذیر با سایر ذی‌نفعان و مشارکت در زمینه‌های مختلف ارزیابی شوند. در نهایت باید تأکید کرد که یک فرض ثابت در مورد تجربه در بسترهای شهری، این است که دستیابی به آن در مقیاس محلی، در ایجاد تغییرات سیستمی گسترده‌تر مطلوب است. آزمایشگاه زنده شهری یک رویکرد عملی مبتنی بر جامعه (کاربرمحور) برای بهبود یک محله یا منطقه شهری است و روش‌های روزمره و چگونگی استفاده از دانش محلی و ضمنی برای بهبود جایگاه جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهد. رویکرد برنامه‌ریزی و طراحی بر اساس آزمایشگاه زنده شهری با شناسایی ایده‌ها، ارزش‌ها و نیازهای ساکنان محلی آغاز می‌شود تا این ایده‌ها و ارزش‌ها، مؤلفه‌های اصلی برنامه‌های پایدار شهری آن باشند؛ در عین حال این رویکرد امکان مشارکت همه ذی‌نفوذان در فرایند گذار به سمت توسعه پایدار را فراهم می‌سازد. با توجه به ماهیت خاص آزمایشگاه‌های زنده و اثرات آن در گذار به سوی توسعه پایدار

نقطه شروع برای تحقق یک آزمایشگاه زنده، توافق بین چندین ذی‌نفع است که با همکاری ماتریس چهارگانه شرکای محلی ایجاد می‌شود. این فرایند دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی، نمایندگان دولتی (شهرداری)، بخش خصوصی و صنعت و جامعه مدنی را در امر گذار به سوی توسعه پایدار دخیل کرده و این مشارکت با حضور چند ذی‌نفع، به‌عنوان بخشی از فرایند گذار به سوی توسعه پایدار مطرح می‌شود. ذی‌نفعان عمومی و دولتی در این صورت می‌توانند نقش مروج، توانمندساز و شریک فرایند یادگیری نحوه مواجهه با مشکلات اجتماعی یا بهبود سیاست‌های پایداری را بر عهده بگیرند؛ به‌عنوان مثال در محله جماران، نقش شهرداری منطقه نقشی هماهنگ‌کننده و جهت‌بخش است که طیف وسیعی از وظایف از جمله تخصیص بودجه اجرایی، تأمین زیرساخت‌های متناسب برای پیاده‌سازی آزمایشگاه زنده شهری، پیش‌بینی بسته‌های تشویقی، برنامه‌ریزی اقدامات لازم، تشکیل گروه تسهیل‌گری و شناسایی نهادهای مردمی را در برمی‌گیرد. در عین حال باید توجه داشت که این وظایف در عین اهمیت بایستی به‌گونه‌ای تحقق یابند که با توجه به ساخت و زمینه محلی، کمترین میزان دخالت ایشان را در پی داشته باشد تا به دنبال آن توانمندسازی ساکنین به‌واسطه پیاده‌سازی آزمایشگاه زنده شهری محقق شود. به‌علاوه در چینش ذی‌نفوذان در آزمایشگاه زنده شهری در محله جماران

مواد اولیه تحقیق، نگارش متن و آنالیز داده ها؛ دکتر مجتبی انصاری ۳۰ درصد به عنوان پژوهشگر اصلی برای کنترل و راستی آزمایی نتایج و نمونه گیری؛ و دکتر محمدرضا پورجعفر ۳۰ درصد به عنوان پژوهشگر کمکی برای کنترل نتایج و نمونه گیری است.

**منابع مالی/حمایت‌ها:** موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

آن، لازم است هرگونه برنامه‌ریزی در آن از رویکردی مکان‌محور بهره گیرد. این بدان معناست که نه تنها نوع مکان نشان می‌دهد که کدام راه‌حل‌ها یا ویژگی‌ها برای آن مناسب هستند، بلکه برای جامعه محلی، سایت‌ها غالباً دارای معانی فردی یا جمعی هستند که می‌توانند حس ارتباط، هویت و تعلق را ایجاد کنند. گروه‌های مردمی در مورد آنچه در مکان زندگی آن‌ها مؤثر و آنچه برای مردم محلی مهم است، تجربه و دانش فراوانی دارند. آن‌ها می‌توانند به خوبی مسائل پایداری را از راه‌های معنادارتر، شخصی‌تر و مستقیماً مرتبط‌تر و یا به عبارتی به‌وسیله آنچه با هسته و بطن زندگی مردم همراه است، نشان دهند. می‌توان اذعان نمود که تمرکز بر گذار به سوی پایداری و اقدامات سیاست‌گذاری مرتبط با آن، از طریق شیوه‌های زندگی روزمره یک مجموعه خاص از افراد در مکان زیست آن‌ها و با پیاده‌سازی آزمایشگاه زنده شهری به‌عنوان بستر مشارکت عمیق همه ذی‌نفعان، راهی مستمر و مناسب برای تحقق و تسهیل فرایندهای گذار به توسعه پایدار بوده و لازم است راهکارهای دستیابی به آن مورد مذاقه بیشتری قرار گیرد. در این چارچوب، پیشنهاد می‌شود که متخصصان و مدیران توسعه پایدار در فرایند گفت‌وگو، آن، مسئولیت سخن گفتن از سوی نسل‌های آینده را بر عهده بگیرند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**تشکر و قدردانی:** موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

**تأییدیه‌های اخلاقی:** موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

**تعارض منافع:** مطالعه حاضر مستخرج از رساله دکتری تخصصی خانم مائده یزدانی رستم در رشته معماری منظر است که با راهنمایی آقای دکتر مجتبی انصاری در دانشگاه تربیت مدرس تهران انجام شده است.

**سهم نویسندگان در مقاله:** سهم نویسندگان به ترتیب معادل مائده یزدانی رستم ۴۰ درصد به عنوان پژوهشگر اصلی، تنظیم

6. Mazaherian H, Keynoosh A, Keynoosh A. Endogenous versus Conventional Approach to Residential Development in Revitalize Urban Identity of Iranian Islamic Architecture. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2017 Apr 10;7(1):1-12. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.6.7.1.7.2>
7. Nasr T, Rismani A, Bahadori M. The Significance of Natural Components of Quranic Life in Islamic-Iranian Architecture (Case Studies: Residential Architecture of Qajar, Zand and Pahlavi Eras in Shiraz). *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 2017 Dec 10;7(3):47-62. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.6.7.3.5.4>
8. Siadatian S, Pourjafar M. Testing the Application of "Justified Plan Graph"(JPG) in Iranian-Islamic Architecture Case Studies: Rasoolian House in Yazd and a House in Masooleh *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2015;4(3):27-39. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.3.4.3.4.2>
9. Haghghatbin M, Ansari M, Zabihian S. Howard's and Safavid's Garden Cities' Principles (A Comparative Study). *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2012; 2(1):67-78. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.1.2.1.2.2>
10. Latifi M, Daneshjoo K. The Creation of an Architectural Work within the Creation of the Universe Regarding the Holy Quran. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2016 Sep 10; 6(2): 5-15. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.5.6.2.3.3>
11. Perello-Marín MR, Ribes-Giner G, Pantoja Díaz O. Enhancing education for sustainable
1. Ahmadi M, Ansari M, Bemanian M. Geometric Data Mining and Shape Grammar of Relationship between House and Islamic Iranian Lifestyle. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2021 Apr 10;11(1):1-14. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.140.0.11.1.6.9>
2. Bahramipناه A, Kia A. Quranic Interpretation of Holy Light Idea in Islamic and Iranian Architecture of Safavid Era. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2020 Dec 10;10(4):287-293. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.9.10.4.7.9>
3. Donboli S, Kalantari Khalilabad H, Aghasafari A. Recognition of Urbanscape Identity Components in Iranian Islamic Cities - The case of Tehran. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2019 Mar 10;8(4):223-230. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.7.8.4.3.1>
4. Farshid Nik F, Afhami R, Ansari M, Nabavi L. The Role of Dynamic Equilibrium in the Continuous Perception of in Iranian Islamic Urbanism. *Naqshejahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 2015 Oct 10;5(3):30-40. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.4.5.3.4.9>
5. Haghghatbin M, Ansari M. Persian Garden's symbolism during Islamic Period and its relation to religious believes. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2014;4(1):47-55. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.139.3.4.1.2.6>

- 2014 Jan 1;10(1):36-60.  
<https://doi.org/10.1504/IJETP.2014.065036>
19. Javanroodi K, Nik VM, Mahdavinejad M. A novel design-based optimization framework for enhancing the energy efficiency of high-rise office buildings in urban areas. *Sustainable Cities and Society*. 2019; 49:101597.  
<https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101597>
  20. Heidari F, Mahdavinejad M, Werner LC, Roohabadi M, Sarmadi H. Biocomputational Architecture Based on Particle Physics. *Front. Energy Res*. 2021 July 08;9:620127.  
<https://doi.org/10.3389/fenrg.2021.620127>
  21. Haghshenas M, Hadianpour M, Matzarakis A, Mahdavinejad M, Ansari M. Improving the suitability of selected thermal indices for predicting outdoor thermal sensation in Tehran. *Sustainable Cities and Society*. 2021 Jul 27:103205.  
<https://doi.org/10.1016/j.scs.2021.103205>
  22. Eslamirad N, Kolbadinejad SM, Mahdavinejad M, Mehranrad M. Thermal comfort prediction by applying supervised machine learning in green sidewalks of Tehran. *Smart and Sustainable Built Environment*. 2020 Apr 28; 9(4):361-374.  
<https://doi.org/10.1108/SASBE-03-2019-0028>
  23. Fallahtafti R, Mahdavinejad M. Window geometry impact on a room's wind comfort. *Engineering, Construction and Architectural Management*. 2021 Mar 24;28(9):2381-2410. <https://doi.org/10.1108/ECAM-01-2020-0075>
  24. Saadatjoo P, Mahdavinejad M, Zhang G. A study on terraced apartments and their natural ventilation performance in hot and humid regions. *Building Simulation*. 2018 Apr 1;11(2):359-372. Tsinghua University Press.  
<https://doi.org/10.1007/s12273-017-0407-7>
  25. Talaei M, Mahdavinejad M, Azari R, Prieto A, Sangin H. Multi-objective optimization of building-integrated microalgae photobioreactors for energy and daylighting development in environmental university programmes: a co-creation approach. *Sustainability*. 2018 Jan; 10(1): 158. <https://doi.org/10.3390/su10010158>
  12. Taylor K. Cultural Mapping: Intangible Values and Engaging with communities with some reference to Asia. *The Historic Environment: Policy & Practice*. 2013 Nov; 4(1): 50-61.  
<https://doi.org/10.1179/1756750513Z.00000000024>
  13. Nocca F. The Role of Cultural Heritage in Sustainable Development: Multidimensional Indicators as Decision-Making Tool. *Sustainability*. 2017 Oct; 9(10): 1882. <https://doi.org/10.3390/su9101882>
  14. Taylor, K. Connecting Concepts of Cultural Landscape and Historic Urban Landscape: The Politics of Similarity. *Built Heritage*. 2018; 2: 53-67.  
<https://doi.org/10.1186/BF03545710>
  15. Puerari E, De Koning JI, Von Wirth T, Karré PM, Mulder IJ, Loorbach DA. Co-creation dynamics in urban living labs. *Sustainability*. 2018 Jun;10(6):1893.  
<https://doi.org/10.3390/su10061893>
  16. Mouchrek, N. & Krucken, L. Living Labs in Co-Creation and Sustainability as Strategies for Design Education. *Conference: Design Research Society At: University of Limerick*. 2018 Nov; 2864- 2881 .  
<https://doi.org/10.21606/drs.2018.267>
  17. Javanroodi K, Mahdavinejad M, Nik VM. Impacts of urban morphology on reducing cooling load and increasing ventilation potential in hot-arid climate. *Applied Energy*. 2018; 231: 714-46.  
<https://doi.org/10.1016/j.apenergy.2018.09.116>
  18. Mahdavinejad M, Javanroodi K. Natural ventilation performance of ancient wind catchers, an experimental and analytical study–case studies: one-sided, two-sided and four-sided wind catchers. *International journal of energy technology and policy*,



- Jan; 53(1): 39–52. <https://doi.org/10.1111/1745-5871.12098>
33. Chroner, D. et al. Urban living labs: Towards an integrated understanding of their key components. *Technol. Innov. Manag.* 2019 Mar; 9 (3): 50–62. DOI:10.22215/timreview/1224
34. Hodson, M. et al. Reconfiguring urban sustainability transitions, analysing multiplicity. *Sustainability.* 2017; 9(2):299; <https://doi.org/10.3390/su9020299>
35. Voytenko, Y. et al. Urban living labs for sustainability and low carbon cities in Europe: Towards a research agenda. *Journal of Cleaner Production.* 2016 Jun; 123: 45–54. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2015.08.053>
36. Hanachi P, Mollazadeh F, FadaeiNezhadBahramjerdi S. Developing the conceptual framework of value-based management in cultural and historical places; (Looking at the Islamic Culture). *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning.* 2017 Dec 10;7(3):1-14. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1396.7.3.4.3>
37. Valitabar M. Mohammadjavad M. Henry S. Peiman P. A dynamic vertical shading optimisation to improve view, visual comfort and operational energy. *Open House International.* 2021 Jul 9;46(3):401-415. <https://doi.org/10.1108/OHI-02-2021-0031>
38. Yazdgerd F, Hanachi P, Talebian M. Framework of Conservation Evaluation for Dynamic Cultural World Heritage Sites. *Naqshejahan-Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning.* 2021 Jul 10;11(2):101-19. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1400.11.2.6.1>
39. Lotfi S, Sholeh M. Assessing the Old Buildings Reclaimability into the New Life performance. *Journal of Building Engineering.* 2021 Jun 5:102832. <https://doi.org/10.1016/j.jobbe.2021.102832>
26. Pilechiha P, Mahdavejad M, Rahimian FP, Carnemolla P, Seyedzadeh S. Multi-objective optimisation framework for designing office windows: quality of view, daylight and energy efficiency. *Applied Energy.* 2020 Mar 1; 261: 114356. <https://doi.org/10.1016/j.apenergy.2019.114356>
27. Wirth, T. von et al. Impacts of urban living labs on sustainability transitions: mechanisms and strategies for systemic change through Experimentation. *European Planning Studies.* 2019 Aug; 27(4):1-29. <https://doi.org/10.1080/09654313.2018.1504895>
28. Kemp, R., Schot, J., & Hoogma, R. Regime shifts to sustainability through processes of niche formation: The approach of strategic niche management. *Technology Analysis & Strategic Management.* 2007 Jun; 10(2): 175–198. <https://doi.org/10.1080/09537329808524310>
29. Karvonen, A., & van Heur, B. Urban laboratories: Experiments in reworking cities. *International Journal of Urban and Regional Research.* 2014 Mar; 38(2): 379–392. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.12075>
30. Ansell, C. K., & Bartenberger, M. Varieties of experimentalism. *Ecological Economics.* 2016 Oct; 130: 64–73. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2016.05.016>
31. Bulkeley, H. et al. Urban living labs: Governing urban sustainability transitions. *Current Opinion in Environmental Sustainability.* 2016 Oct; 22: 13–17. <https://doi.org/10.1016/j.cosust.2017.02.003>
32. McGuirk, P. et al. Urban carbon governance experiments: The role of Australian local governments. *Geographical Research.* 2015

45. Saadatjoo P, Mahdavinejad M, Zhang G, Vali K. Influence of permeability ratio on wind-driven ventilation and cooling load of mid-rise buildings. *Sustainable Cities and Society*. 2021 Jul 1;70:102894. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2021.102894>
46. Baccarne B, Mechant P, Schuurman D. Empowered cities? An analysis of the structure and generated value of the smart city Ghent. In *Smart city 2014* (pp. 157-182). Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-06160-3\\_8](https://doi.org/10.1007/978-3-319-06160-3_8)
47. Mitchell D. New axioms for reading the landscape: paying attention to political economy and social justice. In *Political economies of landscape change 2008* (pp. 29-50). Springer, Dordrecht. [https://doi.org/10.1007/978-1-4020-5849-3\\_2](https://doi.org/10.1007/978-1-4020-5849-3_2)
48. Hay R. A rooted sense of place in cross-cultural perspective. *The Canadian Geographer*. 2009 May; 42(3): 245-266. <https://doi.org/10.1111/j.1541-0064.1998.tb01894.x>
49. Brown G, Raymond C. The relationship between place attachment and landscape values: Toward mapping place attachment. *Applied geography*. 2007 Apr 1;27(2):89-111. <https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2006.11.002>
50. Knudsen DC, Soper AK, Metro-Roland M. Commentary: Gazing, performing and reading: A landscape approach to understanding meaning in tourism theory. *Tourism Geographies*. 2007 Jul 24;9(3):227-33. <https://doi.org/10.1080/14616680701422681>
51. Smith L. *Uses of Heritage*. Abingdon: Routledge. 2006 Jan. <https://doi.org/10.4324/9780203602263>
52. Bandarin F, Van Oers R. *The Historic Urban Landscape. Managing Heritage in an Urban Century*, Chichester UK: Wiley Blackwell.
- Cycle Implementing Adaptive Reuse Potential (ARP) Model. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2017 Dec 10;7(3):15-34. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1396.7.3.1.0>
40. Rasoolzadeh M, Moshari M. Prioritizing for Healthy Urban Planning: Interaction of Modern Chemistry and Green Material-based Computation. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2021 May 10;11(1):94-105. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1400.11.1.7.0>
41. Mahdavinejad M, Hosseini SA. Data mining and content analysis of the jury citations of the Pritzker Architecture prize (1977–2017). *Journal of Architecture and Urbanism*. 2019 Feb 1;43(1):71-90. <https://doi.org/10.3846/jau.2019.5209>
42. Mahdavinejad M. Designerly Approach to Energy Efficiency in High-Performance Architecture Theory. *Naqshejahan - Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2020 Sep 10;10(2):75-83. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1399.10.2.7.5>
43. Rahbar M, Mahdavinejad M, Bemanian M, Davaie Markazi AH, Hovestadt L. Generating Synthetic Space Allocation Probability Layouts Based on Trained Conditional-GANs. *Applied Artificial Intelligence*. 2019 Jul 3;33(8):689-705. <https://doi.org/10.1080/08839514.2019.1592919>
44. Rahbar M, Mahdavinejad M, Markazi A.H.D., Bemanian M. Architectural layout design through deep learning and agent-based modeling: A hybrid approach. *Journal of Building Engineering*. 2022 April 15; 47, 103822. <https://doi.org/10.1016/j.jobbe.2021.103822>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی